



تقسیم بندی علم در اسلام/ یادگیری یک دانش چه موقع حرام می شود

تاکیدات مشهور دین اسلام است، اما باید بدانیم نحوه دعوت به علم در این دین چارچوبی هدفمند دارد که با شرایط جامعه و مفید بودن آن در مسیر زندگی مسلمانان مرتبط است.

"علم آموزی" از تاکیدات مشهور دین اسلام است، اما باید بدانیم نحوه دعوت به علم در این دین چارچوبی هدفمند دارد که با شرایط جامعه و مفید بودن آن در مسیر زندگی مسلمانان مرتبط است.

به گزارش خبرگزاری مهر، همه ما می دانیم که اسلام تاکید زیادی بر علم آموزی دارد و آموختن برخی علوم را لازم شمرده است، چرا اگر این دانش ها و علوم ها نباشند شناخت اسلام و ترویج احکام دینی میسر نیست، یا زندگی سالم انسانی مقدور نمی باشد. این دانش ها دو قسم هستند: علوم واجب کفایی، علوم واجب عینی. این دو نوع دانش را می توانیم این در کلام حضرت علی (ع) مشاهده کنیم که می فرمایند: دانش ها چهار رشته است علم فقه برای شناخت مقررات دینی، علم طب برای بدن ها، علم نحو برای زبان و درست سخن گفتن و علم نجوم برای شناخت زمان ها.

در حوزه علم واجب کفایی غیر شرعی دو قسم وجود دارد که یکی دانش های مفید و پسندیده و لازم مثل ریاضیات، پزشکی، مکانیک و مانند آنها. نوع دیگر، دانش های ناپسند و مذموم به مثل سحر، طلسمات، شعبده بازی و امثال آنها.

در مقوله علوم واجب عینی، این علوم، شامل هر دانشی است که ندانستن آن زیان و عذاب اخروی داشته باشد و فراگیری و علم به مقتضای آن بر انسان واجب است. مثلاً اگر مسلمان احکام نماز، روزه، خمس و زکات را نداند بی شک از انجام صحیح این عبادت ها باز می ماند و در نتیجه از فلاح و رستگاری دور می شود. برای همین است که تمام مردم باید احکام عبادی و شخصی خود را فراگیرند و افزون بر آن، هر کسی هم باید احکام مربوط به کار خود را به خوبی بیاموزد.

این نکته مهم است که قاعده کلی در وجوب هر چیزی آن است که شخصی در صورت عدم درک آن و در نتیجه عدم عمل به موضوع آن دچار عذاب اخروی باشد.

دانش های مفید و سودمند هم دو نوع اند: گروهی ضروری هستند و مردم بدون آنها نمی توانند زندگی کنند و بدون آنها به سختی می افتند مثل طبابت که بقای بدن انسان به آن نیازمند است، این قسم را باید واجب کفایی دانست. نوع دیگر دانش هایی است که برای انسان ضرورت ندارند ولی وجود آنها بی فایده هم نیست. مثل تحقیق درباره شیمی، خواص مواد و امثال آنها که یادگیری این دانش ها به خاطر مصالحی که در آنها نهفته است مستحب شمرده می شود.

دانش های حرام

از دید اسلام هر علمی که باعث زیان و خسران اخروی شود حرام است. قاعده کلی در مذمت یادگیری یک دانش، آثار گمراه کننده آن بر دین و فکر و روح و روان مردم است. به دشواری می توان حکم به مذمت ذاتی دانشی کرد، زیرا دانستن از ندانستن بهتر است، ولی گاهی دانستن یک چیز، عواقب حرامی دارد؛ یعنی اینکه در پی آن دانش رفتن، ملازم انجام یک فعل حرام است. مثلاً در گذشته برخی عالمان دینی "ستاره شناسی و نجوم" را حرام کرده بودند، حال آنکه این حرمت، ذاتی این علم نیست بلکه در آن زمان منجمان از روی حرکت ستارگان، امور مردم را پیشگویی می کردند و ستارگان و اجرام آسمانی را در تدبیر عالم، مستقل و یا شریک خداوند می شمردند، پس چون این دانش، ملازم با شرک و ادعای غیب دانی بود، در گذشته حرام شد، اما آیا امروزه که دانشمندان ستاره شناسی این علم را در خدمت مصالح بشر گذاشته اند باز هم حرام است؟ مسلماً چنین نیست.

هر دانشی که کسب آن واجب (عینی و کفایی) نیست و تحصیل آن، زیان آور و حرام نباشد بلکه برای انسان و جامعه به نحوی مفید باشد، دانش مستحب است، مثلاً شیمی تخصصی یا ریاضی عالی؛ واجب عینی و کفایی نیستند، یعنی اگر کسی در پی فراگیری فرمول های ریاضی و شیمی نرود در سرای آخرت، معاقب نخواهد بود. از طرف دیگر کسب آنها نه تنها برای انسان و جامعه زیانی ندارد بلکه اگر در راه درست به کار گرفته شود بسیار سودمند است. نتیجه آنکه فراگیری این دانش ها در سطح عالی، مستحب و پسندیده است و شرع نه تنها با فراگیری آنها مخالفتی ندارد بلکه انسان را تشویق می کند که در صورت توان و برای راحتی هموعان به کسب آنها

بپردازند.

به طور کلی باید گفت هر دانشی که انسان برای زندگی کردن به آن نیازمند است و بدون آن زندگی یا ممکن نیست و یا بسیار دشوار است فراگیری آن واجب کفایی است. و هر دانشی که لازمه حیات نیست ولی باعث تسهیل در زندگی انسانهاست مستحب می باشد.

به عبارت دیگر اگر اسلام با دانشی تقویت شود و با نداشتن آنها دانش در جهان تضعیف می گردد فراگیری آن دانش، واجب کفایی است یعنی تا وقتی که به قدر کفایت عده ای به آن مشغول نشوند، بر همه واجب است و اگر هیچ کس در آن رشته وارد نشود همه کسانی که قدرت بر آن دانش را داشته اند معصیت کرده اند.

با این توضیح، بسیاری از دانش ها در گذشته یا اصلا نبوده اند یا بوده اند ولی در تقویت اسلام نقش اساسی نداشته اند، در حالی که امروز فراگیری آنها واجب است یا برعکس، دانشی در گذشته واجب کفایی بوده ولی امروزه جای خود را به دانش دیگری داده باشد و وجوب آن، زایل شده باشد. در دانش های مستحب همچنین است زیرا بسیاری از دانش ها متولد شده اند ولی برای انسان ها سودمندند و فراگیری آنها اگر ضروری نباشد مستحب و خوب است.

البته پیداست هر اقدامی هنگامی پسندیده است که اولاً شخصی، دانش واجبی را ترک نکرده باشد تا ب متسحب بپردازد، زیرا امیرمومنان علی (ع) فرمود: هر گاه که مستحبات برای واجبات شما زیان داشت، مستحبات را رها کنید.

منابع:

- نهج البلاغه
- بحارلانواری